

سفره‌ی

■ سروده: گروه شاعران



سنبل

سنبل از سفره پرید
مثل موشک به هوا
ناگهان خورد به سقف
ریخت گل بر سر ما
(ناصر کشاورز)

سیر

سیر خوش بو شده بود
به همه پُز می داد
عطر او بویی تند
از گل رُز می داد
(ناصر کشاورز)

آینه

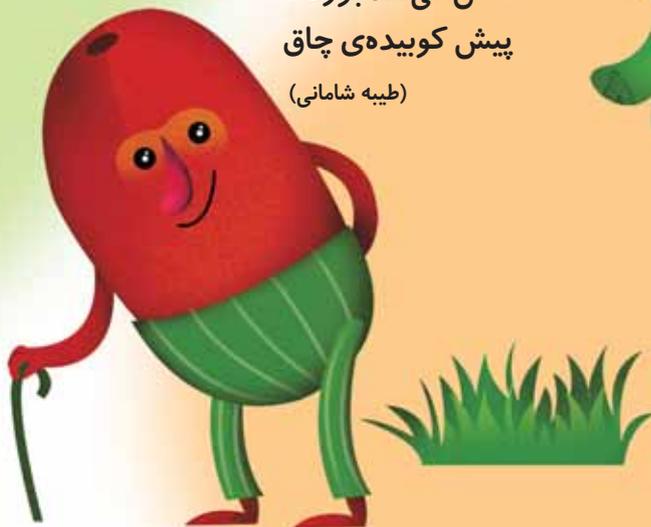
آینه توی دلش
هفت سین را چیده
مثل غولی گُشنه
سفره را بلعیده
(کبری بابایی)

سماق

گوشه‌ی سفره‌ی عید
غصه می خورد سماق
کاش می شد برود
پیش کوبیده‌ی چاق
(طیبه شامانی)

سنجد

سنجد قرمز پوش
با عصا راه افتاد
هفت سین را بوسید
به همه عیدی داد
(طیبه شامانی)



هفت سین



سمنو

سمنو حاضر شد
برود مهمانی
بخورد یک دل سیر
گندم مَجّانی
(مهری ماهوتی)



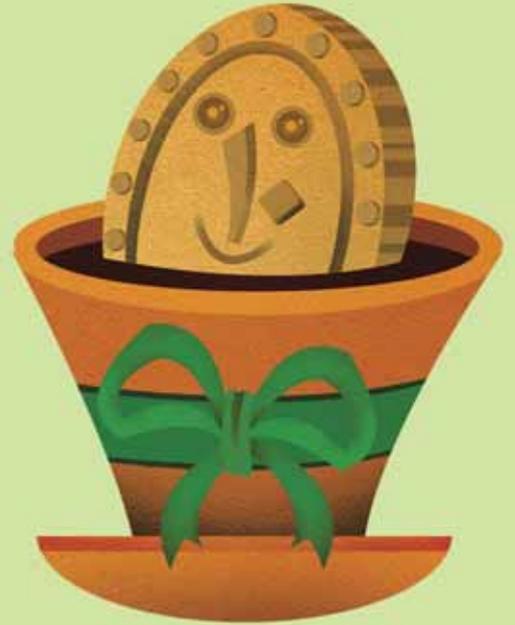
سبزه

سبزه با خوش حالی
رفت آرایشگاه
موی خود را فِر زد
کرده آن را کوتاه
(سعیده موسوی زاده)



سیب

سیب سردش شده بود
رفت نزدیک چراغ
شال گرمی پوشید
خورد یک چایی داغ
(سعیده موسوی زاده)



سگّه

سگّه قِل خورد آمد
توی گلدان افتاد
سبز شد، ده تا برگ
اسکناس نو داد
(مریم اسلامی)



ماهی

ماهی ام داد کشید
غول این تَنگ مَنم
دوست دارم بروم
گربه ها را بزَنم!
(مریم هاشم پور)